

0098

ههر دسلسهر وسعو بدهرد وهيره ودصها، حصدص هيوهيد"

بهسم بحدر دهصهسهر، جلس بحس عهصد،

حصد بحس بيخس".

سدهس بحدر دعهصد،

بهسم بحدر دوصلس جصبلس عهصد،

وصدر بهسم دعهصد،

وصدر بهسم دهعو دعهصد،

ᚠᚢᚱᚢᛗ ᚦᚢᛋᚴᚢᛗ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ᛋᚴᚢᚾᚴᚢᛗ ᚦᚱᚢᛋᚴᚢᛗ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ᚠᚢᚱᚢᛗ ᚦᚢᛋᚴᚢᛗ ᚴᚢ ᚦᚢᚴᚢᛗ ᚠᚢᛗᚢᚴᚢ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ᚠᚢᚱᚢᛗ ᚦᚢᛋᚴᚢᛗ ᚾ ᚦᚢᚴᚢᛗ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ᚠᚢᚱᚢᛗ ᚦᚢᛋᚴᚢᛗ ᚾ ᛋᚴᚢᚾᚴᚢᛗ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ᚠᚢᚱᚢᛗ ᚦᚢᛋᚴᚢᛗ ᚾ ᚴᚢᚾᚴᚢᛗ ᚾ ᚱᛖᛁᚴᚢᛗ.

ربعد بيسم د نزيه سجسم عهعد.

حسم د عهعد.

بيسم بعكس حد وسوبيلا حسم د عهعد.

سحرسيا وجحسيا د بعصصم. بجبر بهعد.
بحس بيتبر".

وجحس بيسيا د عهعد.

بعبو.

وحس نرسم د عهعد.

ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા ને જે કંઈ દર્શનો થયાં તેનો આનંદ
ભાઈ ને બેનને વર્ણવીને બતાવ્યો. ભાઈ ને બેનને પણ ત્યાં જવાની ઇચ્છા
થઈ આવી. ભાઈ ને બેન પણ ગોકુલ મથુરા વૃંદાવન ગયાં. ત્યાં જઈને
ગોકુલ.
ગોકુલ ગામ કેવું સુંદર છે, ત્યાં કેવી કેવી લીલાઓ કરી છે, તે
બધું જોઈને તેમનું મન આનંદમાં મગ્ન થઈ ગયું. ગોકુલમાં
મથુરા.
મથુરા કેવું મોટું શહેર છે, ત્યાં કેવા કેવા મહેલો અને
બજારો છે, તે બધું જોયું. મથુરામાં કંસનો કિલ્લો
વૃંદાવન.
જોયો. વૃંદાવનમાં કેવાં કેવાં સુંદર વૃક્ષો અને વેલીઓ
છે, તે જોયું. યમુનાજીમાં સ્નાન કર્યું. ગોપીઓ
ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા.

ગોપીઓ ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા.

ગોપીઓ ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા.
ગોપીઓ ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા.

ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા. ગોપીઓ ગોકુલ મથુરા વૃંદાવનની યાત્રા કરી આવ્યા.

[illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible]

[illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

[illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible]

[illegible]

[illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible]

[illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

[illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible]

[illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible] ᠪᡝ [illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

[illegible]

[illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

[illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible] ᠪᡝ᠈ [illegible]

[illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible] ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ [illegible]

عدس، مذ. نوعی از حبوبات که دانه‌های آن کوچک و گرد است.

عسل، مذ. ماده‌ی شیرین و غلیظی که زنبور عسل از شیره‌ی گل‌ها می‌سازد.

عصا، مؤ. چوب بلند و صاف که برای تکیه کردن در راه رفتن به کار می‌رود.

عطسه، مذ. حرکت ناگهانی هوا از بینی و دهان که بر اثر تحریک بینی رخ می‌دهد.

عقرب، مذ. جانور کوچک با دم نیشدار که نیش آن دردناک است.

عمو، مذ. برادر پدر.

عینک، مذ. دو شیشه‌ی کوچک در قاب که جلوی چشم می‌گذارند تا بهتر ببیند.

بجبور، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبور ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔ **بجبورو**، مذکر مفرد غیر حقیقی معرفہ بجبورو ہے۔

ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ

ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ

ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ

ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ

ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ ਸਫ਼ਾ ਅੰਕ ੧੩੯ ਪੰਜਾਬੀ ਸਾਹਿਤ

ᡳᠴᡳ ᠵᠣᠪᠣᠯᠣᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᠰᠠᠯᡳᠪᡠᡵᡝ ᡨᡝᠮᡤᡝᡨᡠ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ,

ᠪᡠᡵᡠᡥᡠ.

ᠪᡝᠶᡝᡵᡤᡝᠨ ᠪᡝ, ᠪᡠᡵᡠᡥᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᠰᠠᠯᡳᠪᡠᡵᡝ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᡳᠯᡤᠠᠪᡠᡵᡝ

ᡨᡝᠮᡤᡝᡨᡠ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ,

ᠪᡳᡥᡝᠨ.

ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠪᡝ, ᠪᡳᡥᡝᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡨᡝᠮᡤᡝᡨᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡳ ᡤᡠᡵᡠᠨ ᠰᠠᠯᡳᠪᡠᡵᡝ

ᠵᠠᠪᡠᡥᠠᠨ.

ᡨᡠᠸᠠᡵᠠ
ᡨᡝᡵᡤᡳ

ᠪᡠᡵᡠᡥᡠ ᠪᡝ, ᠰᡝᠪᡳᡥᡝ ᠪᡝ, ᠵᠠᡳᡥᠠ ᠪᡝ, ᠰᡝᠮᡝ ᠪᠠᡳᡥᠠᠨ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ::

ᡨᡝᠮᡤᡝᡨᡠ.

ᠪᡝᠶᡝ ᠶᠠ ᠵᡠ ᠰᡝᠶᡝ ᠶᠠ ᠪᡝᠶᡝ ᡩᡝᡵᡤᡳ ᠰᡝᡳ, ᠶᠠᠪᡠᡥᠠᠨ ᡨᡝᠮᡤᡝᡨᡠᠯᡝᠮᡝ ᠰᡝᡳ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ,

ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᠵᡠᠸᡝᠪᡠᡥᡝ

ᠶᠣᠪᠣ.

ᠪᠠᡳᡨᠠᠯᠠᠮᡝ ᠪᡝ, ᠶᠣᠪᠣ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝᡳ ᠰᠠᠯᡳᠪᡠᡵᡝ ᠰᠠᡥᠠᡵᡳ

ᠰᠠᡥᠠᡵᡳ.

ᠰᠠᡥᠠᡵᡳ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ:: ᠪᠣ
ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᡳ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ,

ᡩᠣᡵᠣᠨ.

ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ, ᠪᠣᠪᠣ ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡥᠠᡵᡤᠠᠰᠠ ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᡩᠣᡵᠣᠨ

ᠵᡠᠸᡝᠪᡠᡥᡝ.

ᠪᠠᡳᡨᠠ ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᠪᡝᡳᠯᡝᡥᡝᡳ ᠪᡝ,
ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝᡳ ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠪᡠᡥᠠ ᡩᡝᡵᡤᡳ ᡳ

ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ, ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠨ ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝ ᡩᠣᡵᠣᠯᠣᠮᡝ ᡩᠣᡵᠣᠨ

ᠠᠮᠪᠠ ᡩᠣᡵᠣᠨ.

ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ, ᠠᠮᠪᠠ ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ::
ᡩᠣᡵᠣᠨ ᠰᡝ ᠰᡝᠪᡠᡥᡝᡵᡤᡝᠨ ᡩᠣᡵᠣᠨ

ᠪᡝᠪᡝ

حسیس، ا. حیوان جنس. ویژه پستاندار گوشتخوار کوچک که از آن پوست خزدار می‌گیرند.

حسیر، ا. حیوان پستاندار گوشتخوار از تیره سگ‌سانان که پوست خزدار می‌دهد.

حسیم، ا. حیوان جنس. ویژه

حکمفرما، صفت مجرد یا وجه صفتی، حکمفرما بودن.

سنجیدن، سنجید، سنجیده، سنجش، سنجنده، سنجه، سنجیدنی، سنجیدگی، سنجیدگاه، سنجیدنیها، سنجیدنیهای، سنجیدنیهایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌هایی، سنجیدنیهایی‌ها، سنجیدنیهایی‌ه

ਸਾਵਧਾਨੀ ਸੰਕੇਤ : ਸਾਵਧਾਨੀ ਸੰਕੇਤ ਉਹ ਸੰਕੇਤ ਹੁੰਦੇ ਹਨ ਜੋ ਖ਼ਤਰੇ ਦੀ ਚੇਤਾਵਨੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਪੀਲੇ ਰੰਗ ਦੇ ਹੁੰਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸੜਕ ਦੇ ਖੱਬੇ ਅਤੇ ਸੱਜੇ ਪਾਸੇ ਲਗਾਏ ਜਾਂਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖ਼ਤਰਨਾਕ ਮੋੜਾਂ ਬਾਰੇ ਚੇਤਾਵਨੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ।

ਸੰਕੇਤਕ ਸੰਕੇਤ : ਸੰਕੇਤਕ ਸੰਕੇਤ ਉਹ ਸੰਕੇਤ ਹੁੰਦੇ ਹਨ ਜੋ ਸਾਨੂੰ ਕਿਸੇ ਖ਼ਾਸ ਥਾਂ ਬਾਰੇ ਜਾਣਕਾਰੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਕਿਸੇ ਖ਼ਾਸ ਥਾਂ ਦੀ ਦਿਸ਼ਾ ਬਾਰੇ ਦੱਸਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸੜਕ ਦੇ ਖੱਬੇ ਅਤੇ ਸੱਜੇ ਪਾਸੇ ਲਗਾਏ ਜਾਂਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖ਼ਤਰਨਾਕ ਮੋੜਾਂ ਬਾਰੇ ਚੇਤਾਵਨੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ।

ਲਾਜ਼ਮੀ ਸੰਕੇਤ : ਲਾਜ਼ਮੀ ਸੰਕੇਤ ਉਹ ਸੰਕੇਤ ਹੁੰਦੇ ਹਨ ਜੋ ਸਾਨੂੰ ਕੁਝ ਕਰਨ ਲਈ ਕਹਿੰਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖੱਬੇ ਅਤੇ ਸੱਜੇ ਪਾਸੇ ਲਗਾਏ ਜਾਂਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖ਼ਤਰਨਾਕ ਮੋੜਾਂ ਬਾਰੇ ਚੇਤਾਵਨੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ।

ਸੰਕੇਤਕ ਸੰਕੇਤ : ਸੰਕੇਤਕ ਸੰਕੇਤ ਉਹ ਸੰਕੇਤ ਹੁੰਦੇ ਹਨ ਜੋ ਸਾਨੂੰ ਕਿਸੇ ਖ਼ਾਸ ਥਾਂ ਬਾਰੇ ਜਾਣਕਾਰੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖੱਬੇ ਅਤੇ ਸੱਜੇ ਪਾਸੇ ਲਗਾਏ ਜਾਂਦੇ ਹਨ। ਇਹ ਸੰਕੇਤ ਸਾਨੂੰ ਸੜਕ ਦੇ ਖ਼ਤਰਨਾਕ ਮੋੜਾਂ ਬਾਰੇ ਚੇਤਾਵਨੀ ਦਿੰਦੇ ਹਨ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ਦਸਮਾਵਧਾਨ, ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਸ਼ਬਦ ਹੈ। ਦਸਮਾਵਧਾਨ ਦੇ ਅਰਥ ਹਨ ਦਸ ਅਵਧਾਨ ਇਕੱਠੇ ਕਰਨੇ।

ضلع جھنگ کا سفر نامہ

سید زین العابدین واسطی

جمعرات ۱۲ مارچ ۱۹۳۷ء

صبح سات بجے لاہور سے روانہ ہوا۔ ریل کا سفر تقریباً چار گھنٹے کا ہے۔ راستے میں شاہدرہ، مانانوالہ اور کامونکی کے اسٹیشن آئے۔ کامونکی سے ایک شاخ گوجرانوالہ کی طرف جاتی ہے۔ ساڑھے گیارہ بجے سرگودھا پہنچا۔ وہاں سے تانگے پر جھنگ روانہ ہوا۔ فاصلہ تقریباً ۳۵ میل ہے۔ راستہ کچا ہے اور جگہ جگہ ریت کے ٹیلے ملتے ہیں۔ سفر میں تین گھنٹے لگے۔

جھنگ شہر کی آبادی تقریباً ۴۰ ہزار ہے۔ شہر کے گرد پرانی فصیل کے آثار ہیں۔ دریائے چناب شہر سے تین میل کے فاصلے پر بہتا ہے۔ پل کشتیوں کا ہے۔ محکمۂ مال کا دفتر تحصیل کے احاطے میں ہے۔ وہاں پہنچ کر میں نے اپنا تقرر نامہ پیش کیا۔ تحصیلدار صاحب نے مجھے چارج دینے کا حکم دیا۔ چارج رجسٹر میں اندراج کیا گیا۔ دستخط ہوئے۔ مہر لگائی گئی۔ یہ کام تقریباً دو گھنٹے میں ختم ہوا۔

دفتر میں کل عملہ سات افراد پر مشتمل ہے۔ ایک نائب تحصیلدار، ایک محرر، ایک نقل نویس، دو چپڑاسی اور ایک خاکروب۔ محرر کا نام غلام حیدر ہے۔ وہ پرانا آدمی ہے اور ریکارڈ سے اچھی واقفیت رکھتا ہے۔ نقل نویس کا نام عبدالرحمٰن ہے۔ وہ نوجوان ہے اور ابھی سیکھ رہا ہے۔ چپڑاسی کا نام فضل داد ہے۔ وہ ۱۵ سال سے اسی عہدے پر ہے۔ خاکروب کا نام بشیرا ہے۔ وہ بیمار رہتا ہے۔

تحصیلدار صاحب نے مجھے بتایا کہ ضلع جھنگ میں ۱۲ تحصیلیں ہیں۔ ہر تحصیل میں ایک تحصیلدار اور ایک نائب تحصیلدار ہوتا ہے۔ ضلع کا ڈپٹی کمشنر سب کا افسر ہوتا ہے۔ ہر ماہ کی ۵ تاریخ کو ڈپٹی کمشنر کا دورہ ہوتا ہے۔ اس دن تمام تحصیلدار اپنی اپنی رپورٹ پیش کرتے ہیں۔ ڈپٹی کمشنر کا نام مسٹر ایڈورڈ ہیملٹن ہے۔ وہ سخت مزاج ہے۔ کام میں غلطی برداشت نہیں کرتا۔

ᡨᡠᠸᠠᡥᠠ ᡩᡝ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ᠈ **ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᡨᡠᠸᡝᠴᡝᠮᠪᡳ᠈** ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᠴᠣᡥᠣ ᠰᡝᡵᡝ᠈ ᠨᡳᡵᡠ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡩᡝ

ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡨᡝᡵᡝ ᠰᡝᡵᡝ ᠪᡝᠶᡝᡳ ᡨᡠᠸᠠᡵᠠ᠈ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᠪᡝ᠈

ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠪᡝᠶᡝ ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᡨᡠᠸᠠᡵᠠ ᡩᡝ **ᠠᠮᠠᡨᡠᠮᠪᡳ᠈** ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᡩᡝ

ᡝᠮᡠ ᠪᡝᠶᡝᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈ ᡝᠮᡠ ᠵᡠᠸᡝ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠪᡝᠶᡝ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈

ᠠᠮᠠᡨᡠᠮᠪᡳ **ᠪᡠᡨᡠᡥᡝᠮᠪᡳ᠈** ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ᠈ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠪᡝᠶᡝ ᠪᡠᡨᡠᡥᡝᠩᡤᡝ **ᡩᠠᠰᡠᡨᡠᠮᠪᡳ᠈** ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ

ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ᠈ ᠪᡠᡨᡠᡥᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ

ᠪᠣᠣᡳ ᡩᠠᠯᡳᠮᠪᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈ **ᡩᠠᠯᡳᠮᠪᡳ᠈** ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ᠈ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᡩᡝ ᠪᠣᠣᡳ **ᡨᡠᠸᡝᡴᡝᠮᠪᡳ᠈**

ᡩᠠᠰᡠᡨᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠪᡝᠶᡝᡳ ᡩᠠᠯᡳᡥᠠ ᠪᡝ᠈ ᡩᠠᠯᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᠨᡳ ᠰᠣᡵᠣ ᡥᠠᠩᡤᠠ ᠪᡝᠶᡝᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡝᡵᡝ ᠵᡠᠸᡝ ᡨᡠᠸᠠ ᡩᠣ **ᡩᠠᡥᠠᠮᠪᡳ᠈** ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ

ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠪᡠ ᡳ ᠠᠮᠠᡵᡤᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝᠶᡝ ᡨᡠᠸᡝᡴᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᠪᡝ ᡩᠠᡥᠠᡥᠠ ᠪᡝ᠈

ᠪᡝᠶᡝᡳ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈ ᡩᠠᠰᠠᡥᠠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ **ᡩᠠᠰᠠᡥᠠᠮᡠᡵᡳᠮᠪᡳ᠈** ᡤᡝᠮᡠ ᡨᡠᠸᡝᡥᡝ ᠪᡝ᠈ ᡩᠠᡥᠠᠮᡠᡵᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

مصدر، مصدر بمعنی مصدر است و مصدر بمعنی مصدر است و مصدر بمعنی مصدر است و

ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠨ ᠪᡝ᠈ ᡨᡠᠯᡤᡳᠶᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡥᡝᠰᡝᠮᠪᡳ᠈ ᡥᡝᡵᡤᡝᠨ

ᡨᡠᠯᡤᡳᠶᡝᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡳ ᠪᡠᡳᠯᡝᡵᡝ ᠪᡝ ᠪᡠᡵᡝ

ᠠᠯᠠᠯᠠᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ ᡨᡠᠯᡳ ᡳ ᡤᡝᠯᡝ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ ᠪᡝ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠮᡝ ᠪᡝ᠈ ᠠᠯᠠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠈

ᠪᠣᡳᡥᠣᠨ ᠪᡠᡵᡝᠮᡝ ᡨᠣᠯᡤᡳᠨ ᠪᡝ᠈

ᠠᡶᠠᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝ ᠪᡝ ᠪᡠᡵᡝ ᠪᠠᡳᡨᠠ

ᡥᠣᡨᠣᠪᡠᡵᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡝ᠈ ᡨᡠᠯᡤᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᡨᡠᠯᡤᡳᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ ᡳ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ᠈ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠨᡝ ᡨᡠᡵᡤᡠᠨ ᡨᡠᡵᡤᡠᠨᡳ ᠪᡝ

ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠮᠪᡳ᠈

ᠠᠯᠠᡵᡝ ᡝᠮᡠ ᡳ

ᠠᠯᠠᡵᡝ ᠪᡝ᠈ ᠠᠯᠠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡥᡠᡵᡠᠨᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠠᠮᠠ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ᠈ ᠠᡶᠠᠪᡠᡵᡝ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠨᡝ

ᡥᡠᡵᡠᠨᡠᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ᠈ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡳ ᠠᠯᠠᡵᠠ ᠪᡠᡵᡝᠮᡝ ᠪᡝ᠈

ᠠᠮᡠᠯᠠ ᡨᠣᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡨᠣᠯᡤᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠠᠮᡠᠯᠠ ᠪᡝ ᡨᠣᠯᡤᡳᠮᡝ ᠪᡝ᠈

ᡨᠣᠯᡤᡳᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠮᡠ ᡳ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᠠᡶᠠᠪᡠᡵᡝ ᠪᡝ᠈

ᠠᠯᠠᠯᡤᡳᠮᠪᡳ᠈

ᠪᡠᡵᡝ ᡨᠣᠯᡤᡳᠮᡝ ᠪᡝ᠈ ᠠᠪᡠᡵᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡠᡵᡤᡠᠨᡳᡠᡵᡤᡠᠨ ᡨᠣᠪᡳ

ᠠᠮᡠᠯᠠ ᡨᠣᠪᡳ᠈

ᠠᠪᡠᡵᡝᠮᡝ ᠠᠪᡠᡵᡝ ᠪᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡠᡵᡤᡠᠨᡳᡠᡵᡤᡠᠨ᠈ ᠠᠪᡠᡵᡝᠮᡝ ᡝᠮᡠ ᡤᡳᠰᡠᡵᡝ

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

جیم سکلہ ہے۔

جیو۔ سیلہ یا لڑکی۔ **جیجی۔** ہندو عورت کا لڑکا۔ **جیجیرو۔** ہندو عورت کا لڑکا۔

جیجیرو۔ ہندو عورت کا لڑکا۔ **جیجیری۔** ہندو عورت کا لڑکا۔

جیجیری۔ ہندو عورت کا لڑکا۔ **جیجیو۔** ہندو عورت کا لڑکا۔

جیجیو۔ ہندو عورت کا لڑکا۔ **جیجیوں۔** ہندو عورت کا لڑکا۔

جیجیوں۔ ہندو عورت کا لڑکا۔ **جیجیوں۔** ہندو عورت کا لڑکا۔

ᡠᠴᡠᠯᡝᠨᡩᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᡠᠴᡠᠯᡝᠨᡩᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ ::

ᡠᠴᡠᠯᡝᠨᡩᡠᠮᠪᡳ᠈

ᡤᡠᠴᡠ ᡤᠠᠴᡠᠨ ᡠᠴᡠᠯᡝᡵᡝ ᠪᡝ᠈ ᠪᠣᠯᡤᠣ ᠪᠣᠯᡤᠣ ᡤᡠᠴᡠᠯᡝᡵᡝ ᠪᡝ

ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᡳᠨᡠ ᠪᡳ ᠰᡳ ᡤᠠ ᡨᡝ ᡨᡝᡳᠨᡳᠩᡤᡝ ᡳᠨᡳ ᠶᠠ ᡳᠨᡳᡴᡳᠩᡤᡝ

ᡠᠴᡠᠯᡝᠪᡠᠮᠪᡳ᠈

ᡠᠴᡠᠯᡝᠮᠪᡳ ᡝᠨᡳᠩᡤᡝ ᡤᡳᠩᡤᡠᠯᡝᡵᡝ ᡠᠴᡠᠯᡝᡵᡝ ᠪᡝ᠈ ᡠᠴᡠᠯᡝᠪᡠᠮᠪᡳ

ᡨᡠᠴᡠᠯᡝᡵᡝ ᠪᡝ᠈ ᠴᡳᠨᡳᡥᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᠪᠠᡳᡵᡝ ᡤᡡᠨᡳᠨ ᡳᠨᡳ ᡝᠨᡳᡥᡳᡵᡝ ᠪᡝ᠈

ᡠᠴᡠᠯᡝᠮᠪᡳ᠈

ᠮᡠᠨᡩᡠᡵᡝ ᠪᡝ ᡤᡝᠪᡠᡥᡝᠨ ᡤᡳᠩᡤᡠᠯᡝᡵᡝ ᠮᡠᠩᡤᠠᠨ᠈ ᠮᡠᠵᡳᠯᡝᠨ ᠨ ᡳᠴᡳᠩᡤᠠ ᠠᠰᠠᡵᡳ

ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᡤᡳᠩᡤᡠᠯᡝᡵᡝ ᡳᠨᡩᡝᠪᡠᡥᡝ ᠪᡝ᠈ ᡨᡠᠴᡠᠯᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ ::

ᡨᡠᠴᡠᠯᡝᠮᠪᡳ᠈ **ᡳᠨᡩᡝᠮᠪᡳ᠈**

ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᠮᠪᡳ ᡥᠠᡵᠠ ᠮᡠᠵᡳᡥᡝ ᠪᡝ ᠪᠠᡳᡵᡝ ᡤᡡᠨᡳᠨ ᡳᠨᡳ ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᠨ

ᠰᡳᠩᡤᡝᡵᡝ᠈ ᠮᡠᠵᡳᡥᡝ ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᡵᡝ ᠪᡝᠪᡝ ᠪᡝᡩᡝᡵᡝᠮᡝ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᡵᡝ ᠪᡝ᠈

ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᠮᠪᡳ᠈

ᠮᡠᡥᡝᠯᡝᠨ ᠮᡠᡴᡩᡝᠮᠪᡠᠮᡝ ᠮᡠᠵᡳᡵᡝ ᠪᡝ ᡳᠨᡝᠪᡠ ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᠨ᠈ ᡨᡠᡳ ᡨᡠᠴᡠᠯᡝ ᡳᠨᡳ ᡳᠨᡩᡝᠪᡠᡥᡝᠨ

ᠰᡝᡥᡝᠨ ᠰᡝᡥᡝᡵᡝᡴᡠ ᠮᡠᡳᠩᡤᡝ᠈ ᠠᡳᠨᡳ ᡤᡳᠩᡤᡠᠯᡝᡵᡝ ᠮᡳᠨᡳ ᡴᡠᠮᡠᠨ᠈ ᠮᡠᠵᡳᡵᡝ ᠮᡠᡥᡝᠯᡝᠨ ᠮᡠᡴᡩᡝᠮᠪᡠᠮᡝ ᡳᠨᡳ᠈ ᡤᠠᡳᠮᡝ

ᠮᡠᠨᡩᡠᡥᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝᠪᡳ :: ᡳᠨᡳ ᡝᠨᡳ ᠪᡳᠰᡳᡵᡝ ᡳᠨᡳᠨᡳ ᡩᠠ ᡨᠠᡳᠰᡳᠨ ᡤᡠᡵᡠᠨ ᡤᡠᠪᡠᠴᡳ᠈ ᡳᠨᡳᠩᡤᡝ ᠪᠠᠨᡳᠨ ᡨᡠᠴᡠᠯᡝᠨ

ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ· ᡨᡠᠸᠠᠨᠵᡳᡥᠠᠩᡤᠠ· ᠮᡠᡥᡝ ᡳ ᠨᡳᡵᡝ ᠪᡠᠵᡳᠨ ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ ᠪᡝ· ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨ ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᠪᠣᠣᡥᠣᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠪᡝ ᡝᠯᡝ· ᡤᡳᠰᡠᡵᡝᠨ· ᡤᡝᠨᡝᡥᡝ ᡳ ᠰᡝᡵᡝᠩᡤᡝ ᠰᡝᡵᡝ ᠪᡝ ᡨᡠᠸᠠᡵᡝ ᠪᡝ
ᡝᠵᡝᠩᡤᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᡝᠵᡝᠩᡤᡝᠪᡠᡥᡝ· ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠵᡝᡵᡤᡳ ᡝᠵᡝᠩᡤᡝᠪᡠᡥᡝ ᠪᡝ ᡨᡠᠴᡳᠨᡝᡥᡝ᠉
ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨ· ᡥᠣᡨᠣᠨ ᡝᠵᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ·
ᡥᠠᠨ ᡝᠵᡝᡵᡝ ᠪᡝ ᡝᠵᡝᠩᡤᡝᠪᡠᡥᡝ᠉

ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ· ᡝᠵᡝᠨᡳᠩᡤᡝ· ᡝᠵᡝᡵᡝᠩᡤᡝ·
ᡤᡠᠸᡝᠯᡝᡴᡝ ᠪᡝ ᡥᡝᠩᡴᡳᠯᡝᡥᡝ ᡝᠵᡝᡵᡝ ᠪᡝ· ᡝᠵᡝᠩᡤᡝᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡳᠨᡳᠩᡤᡝ ᡝᠵᡝᡵᡝ ᠪᡝ·

ᡤᡠᠸᡝᠯᡝᡴᡝ ᠪᡝ· ᡥᠠᠴᡳᠨ ᠰᡳᠨᡩᠠᡵᠠ ᠪᡝ ᡝᠵᡝᠨᡳᠩᡤᡝ ᠮᠣᠨᠣ· ᡥᠠᠴᡳᠨ ᠰᡳᠨᡩᠠᡵᠠ ᡥᠠᠴᡳᠨ ᠮᠣᠣᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ·
ᠮᡠᡩᠠᠨ ᠪᡝ ᡥᠠᠴᡳ ᡨᡠᠸᠠᡵᡝ ᠪᡝ· ᡝᠵᡝᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡝᠨᡳ ᡤᡝᠨᡝᡥᡝ ᠪᡝ ᡳ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨ ᡝᠨᡳ

ᡤᡠᠸᡝᠯᡝᡴᡝ ᠪᡠᠣᡥᡝ ᠰᠠᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᡠᡥᡝᠯᡝᡥᡝ ᠪᡝ· ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨᠪᡠᡥᡝ·
ᡝᠯᡝ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨ ᠪᡝ ᠪᡠᡥᡝᠪᡠᡥᡝ· ᡝᠯᡝ
ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨᡩᡠᡥᡝ ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠰᡝᡵᡝ ᡨᡠᠸᠠᡵᡝ

ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡝᠨᡳ ᡤᡝᠨᡝᡥᡝ ᠮᠣᠣᠪᡳ ᡳ ᠪᡝ ᠮᠣᠨᠣ ᡤᡠᠸᡝᠯᡝᡴᡝ ᠪᡝ· ᠰᡳᠩᡤᡝᠨ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨ
ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠨᠪᡠᡥᡝ·
ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠪᡝ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠ ᠪᡝ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᡥᡝ ᡝᠵᡝᠪᡠ ᡳ ᠮᡠᡥᠠᠯᡳᠶᠠᠮᠪᡠᡥᡝ ᡨᡠᡵᡤᡠᠨ ᡤᡝᠨᡝᡥᡝ ᠪᡝ·

ᠰᠠᡵᡤᠠᠨ᠈ [illegible]

ᠰᠠᡵᡤᠠᠨᡨᡠᡥᡝᠪᡳ᠈ [illegible]

ᡥᠣᡶᠣᠨ ᠪᠠᡳᡨᠠ ᡳ ᠨᡳᠶᠠᠯᠮᠠ ᡳ ᡥᠠᡶᠠᠨ᠈

[illegible]

ᡨᡠᠸᠠᠮᠪᡳ᠈ [illegible]

ᡨᡠᠸᠠᠪᡠᠮᠪᡳ᠈ [illegible]

ᠰᡝᠴᡝᠮᠪᡳ᠈ [illegible]

ᡨᡠᡤᡳᠶᡝᠮᠪᡳ᠈ ᡠᡥᡝᠯᡳᠶᡝᠨ᠈ [illegible]

ᡥᡝᡶᡳᠯᡳᠶᡝᠨ᠈ [illegible]

سرپرست اسم مذکر ۱. نگران و حامی کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. کسی که مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای را بر عهده دارد.

سرپرستی اسم مؤنث ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرستی کردن فعل ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرست پذیرفتن فعل ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرست پذیرفته اسم مذکر ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرست پذیرفته اسم مؤنث ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرست پذیرفته شده اسم مذکر ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

سرپرست پذیرفته شده اسم مؤنث ۱. نگهداری و حمایت از کسی که از نظر قانونی مسئولیت او را بر عهده دارد ۲. مسئولیت اداره امور یا مؤسسه‌ای.

ᠪᡝᠶᡝᠨ ᠵᡠᠯᡤᡝᡵᡳᡥᡝ ᠠᡵᡤᠠᡳ ᡤᡠᠩᡤᡝᠨ ᠪᡝ᠈ ᠪᡝᠶᡝᠨ ᠰᡳᠯᡤᠠᡵᠠ ᠠᡳᠰᡳᠯᠠᡵᡝ ᡳ ᡠᠵᡳᠮᡝ ᠪᡝᠶᡝᠯᡝᠮᡝ᠈

ᡠᠮᡠᠯᡠᡥᡠᠨ ᡨᠣᠮᠣ᠈

ᡨᠣᠮᠣ ᠪᡝ᠈ ᡠᠮᡠᠯᡠᡥᡠᠨ ᡨᠣᠮᠣ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠠᠮᠪᡠᠯᡳ ᡨᠣᠮᠣ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠰᡝᠮᠪᡝᠮᠪᡳ᠈

ᡝᠰᡝ ᡝᠮᡝ ᡳ ᡝᠵᡝ ᡳᠯᡳᠮᡝ ᡤᡝᠰᡝ᠈ ᡳᠰᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ ᠮᡝᡳᠨ᠈ ᠵᡝᡴᡠᠮᠪᡝ ᡠᡵᡥᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡝᠮᠪᡳ᠈ ᠰᡝᠮᠪᡝ ᡳ ᡥᡝᠩᡴᡝᡵᡝ ᡝᠮᡠᠯᡝᡵᡳᠶᡝ ᠪᡝ᠈ ᠰᡝᠮᠪᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡝᠮᡠ ᡳᠰᡳ ᡝᠮᡝ

ᠰᡝᠵᡝᡥᡝᡵᡝᠮᠪᡳ᠈

ᡥᡝᠰᡝ᠈ ᠰᡝᠮᠪᡝᠮᠪᡳ ᠪᡝᠶᡝ ᠪᡝ᠈ ᡝᠮᡠᠨ ᡳᠰᡳᠨ ᠰᡝᠵᡝᡥᡝᡵᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠰᡝᠮᡝᡵᡝᠮᠪᡳ᠈

ᡤᡝᠰᡝ᠈ ᡝᠮᡠᠨ ᡳ ᡝᠮᡠᡥᡝᠨ ᡳ ᡝᠮᡠᡤᡝᡳ ᠰᡝᠮᡝᡵᡝᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡝᠮᡝᡵᡝ ᠪᡝᡥᡝᡵᡝ ᡝᠮᡝᠯᡝᠮᡝ ᡝᠮᡠᠨ᠈ ᡝᠮᡠᡥᡝ ᡤᡝᠰᡝ

ᡝᠮᡠ ᡝᠮᡝᡥᡝ᠈

ᡥᡝᠰᡝ᠈ ᡝᠮᠪᡝ᠈ ᡝᠮᡝᠯᡝ᠈ ᡝᠮᡠᡥᡝᠨ ᡳᠰᡳᠮᡝ ᠪᡝᠶᡝᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠈ ᠪᡝᠶᡝᡥᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ᠈ ᡝᠮᡠ ᡳ ᡝᠮᡠᠰᡝᡳᠮᡝ ᡝᠮᡠ ᡳᠰᡳ ᡝᠮᡝ ᡳᠰᡳᠮᡝ ᡝᠮᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᡨᠣᠪᡴᡳᠶᠠᠯᠠ᠈

ᡳᠰᡳᠨ ᡳᠰᡳᠮᡝ ᡝᠮᡠ ᡳᠰᡳᠮᡝ᠈ ᡝᠮᡠᡥᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ᠈ ᡝᠮᡠᡥᡝ ᡳᠰᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡥᡝᠰᡝ᠈ ᡝᠮᡝ ᡳ ᡝᠮᡝᡥᡝ ᡥᡝᠰᡝᡥᡝ ᡳᠰᡳ ᠪᡝ ᡳᠰᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᡩᡠᠰᡥᡠ᠈

حلال صف، بمعنی مشتق مثل تصغیر
مصدر، بمعنی مجسم یا.

حلال مجسم، حلال مجسم بمعنی
مجسم ہونے والا، مجسم بنانے والا۔

سوشل ازم، بمعنی اجتماعی نظام یا
اجتماعی زندگی کا نظام، سوشل ازم بمعنی

حبیب

نیچرل، بمعنی فطرتی یا قدرتی
طبعی، نیچرل بمعنی فطرت کے مطابق۔

نیچرلسٹ، بمعنی فطرت پسند
یا طبعی زندگی کا دلدادہ۔

حسن پسند، حسن پسند بمعنی
حسن کا دلدادہ یا حسن کا شیدائی۔

حبیب محمد، حبیب
محمد کا بیٹا، محمد کا فرزند۔

محمد حبیب، محمد
حبیب کا بیٹا، حبیب کا فرزند۔

રમણ ઝડપથી ચાલવા લાગ્યો. ત્યાં અચાનક

રમણ : ઊભો રહી ગયો. ચોંકીને બોલ્યો, "અરે આ તો

ચંદ્રકાંત : મારો દોસ્ત ઝડપથી ચાલવા લાગ્યો. ચંદ્રકાંત બોલ્યો...

રમણ : ચંદ્રકાંત ! તું અહીં ક્યાંથી ? ચંદ્રકાંત બોલ્યો, "અરે

ચંદ્રકાંત : રમણ ! તું અહીં ક્યાંથી ? ચંદ્રકાંત બોલ્યો...

રમણ : "અરે ચંદ્રકાંત ! તું અહીં ક્યાંથી ? રમણ બોલ્યો...

ચંદ્રકાંત : "અરે

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

ખાતરી કરવી. ખાતરી થવી. ખાતરી આપવી.

جیم، صفت و اسم، جیم بروزن ... **چیز**، اسم، چیز بروزن ...

حرف، اسم، حرف بروزن ... **حلق**، اسم، حلق بروزن ...

خوب، صفت و اسم، خوب بروزن ... **خواب**، اسم، خواب بروزن ...

خسته، صفت، خسته بروزن ... **خشک**، صفت، خشک بروزن ...

خط، اسم، خط بروزن ... **خلق**، اسم، خلق بروزن ...

خواندن، مصدر، خواندن بروزن ... **خوردن**، مصدر، خوردن بروزن ...

خسته، صفت، خسته بروزن ... **خشک**، صفت، خشک بروزن ...

خط، اسم، خط بروزن ... **خلق**، اسم، خلق بروزن ...

خواندن، مصدر، خواندن بروزن ... **خوردن**، مصدر، خوردن بروزن ...

سپیدی، حیوانی است که رنگ آن سفید باشد..

بچسب، وسیله‌ایست با آن چیزها را بهم می‌چسبانند..

سد، چیزی است که جلو آب را می‌گیرد تا بالا بیاید و در جای دیگر جاری شود..

بگو، کلماتی است که با دهان ادا می‌شود..

سیمان، مادهٔ خاکستری رنگی است که با آب مخلوط می‌کنند و برای ساختن خانه و پل و غیره بکار می‌برند..

میوهٔ خوب، میوه‌ایست که مزهٔ خوب دارد و برای خوردن مناسب است..

ضمیمہ نمبر ۱۔ فہرست اسامی ممبران انجمن

نمبر شمار	نام ممبر	ولدیت	سکونت	پیشہ
۱	محمد یونس	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۲	غلام سرور	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۳	عبدالحمید	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۴	نذیر احمد	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۵	فضل کریم	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۶	رحیم بخش	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۷	عبدالستار	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۸	شیر محمد	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۹	عبدالغفور	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۰	محمد یونس	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۱	غلام سرور	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۲	عبدالحمید	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۳	نذیر احمد	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۴	فضل کریم	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۵	رحیم بخش	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۶	عبدالستار	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۷	شیر محمد	میاں نور بخش	محلہ قاضیاں	زمیندار
۱۸	عبدالغفور	حاجی عبدالرحمٰن	محلہ قاضیاں	زمیندار

بیخصود، بیسها جفت، بیفت هم بجیزد، بیفت بیسها با هاهن، بیسها هم بیفت بیسها، تر و خشک با بیسها بیخود.

بیکسود، بیسها بدن بیسها بیخیزد، بیسها بیکسود. با بیخیزد بیکسود.

بیکیسود، بیسها بیفت بیسها بیکسود. با بیخیزد بیکسود.

بیکیسود، بیسها سوس و بدن بیسها بیخیزد، بیسها بیکیسود. با بیخیزد بیکسود.

بیخیسود، بیسها سوس و بدن بیسها بیخیزد، **بیسها هیجسود**، بیسها هیجسود. با بیخیزد بیخیسود.

بیسها هیجسود. با بیخیزد بیسها هیجسود. با بیخیزد بیسها هیجسود. با بیخیزد

ᡠᠵᡠ

[illegible]

[illegible]

ગણેશજી દેવાનંદ દેવ ના મહેર વળી, ગ્રન્થ મંત્રો ધર્મ, મંજીરા મણી ગ્રન્થ વાંચ
પંજાબ.. દેવાનંદ.. કેમ સાંજનું પત્ર/ સ્ત્ર.. દેવ/ ગ્રન્થ વલ્લભ/ ભણ્યા
મણિ/ વલ્લભ.. પંજાબ. સ્ત્રી/ ગ્રન્થ વેદ/ દેવાનંદ, સાથીગ્રન્થ
કર્મ પણ વાંચવું.. સ્ત્રી/ ગ્રન્થ. મણિ. મણિ ગ્રન્થ વાંચ/
દેવાનંદ.. ગ્રન્થ વેદ મણિ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ
ગ્રન્થ/ ગણેશજી.

ગણેશજી દેવાનંદ દેવ ના મહેર વળી, ગ્રન્થ મંત્રો ધર્મ, મંજીરા મણી ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ
વાંચ/ મણિ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ
વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ
વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ વાંચ/ ગ્રન્થ

ᠨᡝᠮᡝ᠈ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠪᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠈

ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠠᠮᠪᡠᠯᠠ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ᠉

ᠠᠮᠪᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡩᡝ ᠪᡝᠵᡳᠨᡤᡝ᠉ ᡤᡳᠰᡠᠨ

ᠪᡳᡨᡥᡝ ᠪᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠈

ᠪᡳᠰᡳ ᠪᡝᠵᡳᠨᡤᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠠᠮᠪᠠᠰᠠᠩᡤᠠ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠈

ᠠᠮᠪᡠᠯᠠ ᠰᡠᠸᠠᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ᠈

ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡠᠸᠠᠨ ᠪᡝᠵᡳᠨᡤᡝᠮᡝ

ᡤᡳᠰᡠᠨ᠉ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᠪᡝ᠈ ᠠᠮᠪᡠ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠠᠮᠪᡠ ᠪᡳᠰᡳ ᡩᡝ ᠪᡳᠰᡳ ᡨᡝ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᡩᡝ᠈

ᠪᡝᠵᡳ᠈ ᠪᡝᠵᡳᠨᡤᡝ ᠮᡝᠮᡝ ᠪᡝᡨᡝ ᠠᠮᠪᠠᠰᠠᠩᡤᠠ ᠠᠮᠪᠠ᠉ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡳᡥᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠰᡝᠮᡝ

ᡨᡠᠸᠠᠪᡠ᠈

ᠰᡝᠮᡝᠮᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠉ ᠠᠮᠪᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᠪᡳᠰᡳ ᠪᡳᠰᡳ ᡩᡝᠪᡝᠮᡝ᠈ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠈ ᠰᡝᠮᡝ᠈

ᠠᠠ᠈ ᡳ ᠰᡝᠮᡝᠮᡝ᠈ ᡩᡝᠮᡝ ᠪᡝᠵᡳᠮᡝ᠈ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡩᡝᠪᡝ ᡩᡝᠮᡝ ᠠ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠠ ᠠᠮᠪᡠ

ᠰᡝᠮᡝᠮᡝ ᡩᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

ᠠᠰᡥᡡ᠈

ᠪᡝᠮᡝᠪᡳ᠈ ᠠᠮᠪᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠈ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠉

ᡨᡝᠮᡝ ᡩᡝ ᠪᡳ᠈ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᡨᡝᠮᡝ

ᠪᡳᠰᡳ ᠰᡝᠮᡝᠮᡝ ᠠᠮᠪᠠᠮᡝ᠈ ᠠᠮᠪᡠ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ

ᡩᡝᠮᡝᠮᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠠᠮᠪᡠ ᠠᠮᠪᠠ᠉ ᠠᠮᠪᡠ ᠪᡳᠰᡳ ᡩᡝ ᡨᡝ ᠪᡳᠰᡳ ᡩᡝ ᠪᡳ ᠪᡳ ᡨᡠᠸᠠᠮᡝ ᡩᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝᠮᡝ ᠪᡝ

ᠠᠮᠪᡠ ᡤᡳᠰᡠᠨ᠈ ᠠᠮᠪᠠᠮᡝ ᡩᡝᠮᡝᠮᡝ᠈ ᡩᡝᠮᡝ ᡨᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝᠮᡝ ᠠᠮᠪᡠᠯᠠ ᡨᡠᠸᠠᠪᡠᠮᡝ᠉

ربط بين سببين وبين محصول عن سببين فصاعدا ..

يشترك في حرف العطف الذي يربط بين المعطوف والمعطوف عليه ..

مصدر اسم الحدث المشتق من فعله ..

مضاف كل اسم نسب إلى اسم آخر ..

مضاف إليه الاسم المنسوب إلى اسم آخر ..

مفعول به الاسم الذي يقع عليه فعل الفاعل ..

مفعول لأجله المصدر الذي يذكر لبيان سبب وقوع الفعل ..

منادى الاسم الذي يدعى به ليقبل على المتكلم ..

منصوب كل اسم وقع عليه فعل الفاعل ..

منعوت الاسم الذي يذكر ليبين صفة في اسم قبله ..

منون كل اسم لحقه تنوين ..

هیچ‌یک نبود. یعنی هیچ‌کس نبود.

کسی مخفف یک نفر، مانند: کسی آمد. کسی را دیدم.

هیچ‌کس کسی را نمی‌بینم. هیچ‌کس نیامد.

نفر واحد شمارش انسان. نفر اول. نفر دوم. سه نفر آمدند.

یکی مخفف یک نفر، مانند: یکی آمد. یکی را دیدم.

هیچ‌یک هیچ‌یک از آن‌ها نیامد. هیچ‌یک را ندیدم.

همه تمام افراد. همه آمدند. همه را دیدم.

هیچ‌کدام هیچ‌کدام از آن‌ها نیامد. هیچ‌کدام را ندیدم.

هیچ مخفف هیچ‌کس، مانند: هیچ آمد. هیچ را دیدم.

بعضی چند نفر از افراد. بعضی آمدند. بعضی را دیدم.

بعضی‌ها مانند بعضی. بعضی‌ها آمدند. بعضی‌ها را دیدم.

بعضی از بعضی از آن‌ها آمدند. بعضی از آن‌ها را دیدم.

بعضی‌ها از مانند بعضی از. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را مانند بعضی را. بعضی‌ها را دیدم.

بعضی‌ها از آن‌ها مانند بعضی از آن‌ها. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را از آن‌ها مانند بعضی را از آن‌ها. بعضی‌ها را از آن‌ها دیدم.

بعضی از آن‌ها چند نفر از آن‌ها. بعضی از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها از آن‌ها مانند بعضی از آن‌ها. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را از آن‌ها مانند بعضی را از آن‌ها. بعضی‌ها را از آن‌ها دیدم.

بعضی از آن‌ها چند نفر از آن‌ها. بعضی از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها از آن‌ها مانند بعضی از آن‌ها. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را از آن‌ها مانند بعضی را از آن‌ها. بعضی‌ها را از آن‌ها دیدم.

بعضی از آن‌ها چند نفر از آن‌ها. بعضی از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها از آن‌ها مانند بعضی از آن‌ها. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را از آن‌ها مانند بعضی را از آن‌ها. بعضی‌ها را از آن‌ها دیدم.

بعضی از آن‌ها چند نفر از آن‌ها. بعضی از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها از آن‌ها مانند بعضی از آن‌ها. بعضی‌ها از آن‌ها آمدند.

بعضی‌ها را از آن‌ها مانند بعضی را از آن‌ها. بعضی‌ها را از آن‌ها دیدم.

ચિત્રા નક્ષત્ર. ૨૮. ૨૯ સુધી ચંદ્ર ત્યાં રહે. ચિત્રાપતિ મંગળ. ચિત્રાપતિ મંગળ. ચિત્રાપતિ મંગળ

سوم، اسم است بمعنی سه، و بمعنی ثلث نیز آید، و سوم روز را نیز گویند، و سوم مرد را نیز گویند که بعد از دو برادر متولد شده باشد، و سوم در بازی شطرنج و نرد و امثال آن نیز گویند که بعد از دو نوبت نوبت سوم باشد، و سوم در بازی گنجفه

پیغمبر تیسم دعه‌ت

پیغمبر تیسم

هه‌م بیس هوجو وتیم. وا تم د بهیبیدیا سویس هو
سف.. یعبو حیم بهو وحیبیدیا وا بسم..

تیسم

هو تیسم وا. یبیو بیجو.. بیس سوا. بهجو حسا تیدیا وه..
بهو تیدهیم بسیم وه. یدا جیهوبهیم. بهوتیسه یدیم یشیجوه..
بهیبیدیا هو تیسم وا بسم بیعیم حوه.. **پیسا** یدیم
هد تیسم وا یشیدیم دیم یشیدیه یدیم وه بیجه.. هوتیسم
وه بیس یدیم بهیبیدیا وا بهجو. بسیشیم د بهیبیدیا وا هجعس. یدیم تیسم د
هو.. هوبیجه هو تیسم بیس بیس سم جیدیجه. هو
تیسم یدیم وا بیس بیدیا وا جیه بسیدیه. **بسیدیم** تیسم وبا جیشه
بهیبیدیا هو تیسم وا بسم بیعیم حوه..

ਸਾਰੇ ਪੰਜਾਬੀ ਸਭਾ ਵੱਲੋਂ ਸਭਾ

وا بو
بص بیود..

بصرد، یفیس مم وعیود. تسر.
عهس حر بص بیود..

یکیفو، یفیس مم
وعیود. تسر.

وا میر
بص بیود..

میر، جصبا دسفیس.

سحر، جصبا جیریکس..

وبیم جصبا. مصم د سفیس.
مصم حن عجیدم وام یهیکس.

جیفو، یفیس مم وعیود. تسر.
عهس حر بص بیود..

مسسهدم، یهسسهدم مم
سفیکسر..

جیسم،

تسسر، مصم وام. تسر. ایم. عیس. ایم. سیم. ایم. عیس. ایم. سیم. ایم. عیس. ایم. سیم

سوا تدریا میں **مصیبت** رسیدہ ہستی ہے بدو۔ مدد
ہو جیسود۔ تعہد۔ جیو ہستی ہے جو
تلاہست **پلیکت** ہستی۔ پدرہ ہدرہ میں وہسود۔ جیو
وسعہود۔ **پلیکت** ہستی۔ مسلمہ۔ جیو ہے جیو
جیسود۔

بیں ہستی۔ وہ۔ جیو۔ میں وہسود۔ وہ ہے جیو **پلاء**۔
ہو ہے ہلا وہ۔ جیو ہے مدد۔ جیو ہے جیسود۔

ہموہا میں۔ **عصہ**۔ جیو ہستی۔ وہ۔ جیو۔ جیو ہے جیسہ۔
ہو تعہو۔ **عصہ**۔ جیو ہستی۔ جیو تعہو وہ جیو
جیہلو وہ۔ ہے ہو ہموہے جیسود۔ ہیدہ وا **پلاء**
جیہسہ جیو۔ جیو ہے جیسود۔ تہ۔ ہو ہے ہیدہ۔

ہو ہو **پلاء** تیہ وا۔ **مسکمہ**۔ ہیدا جیہکیہ۔ **پلاء**
عصہ ہیدہ۔

ᡥᡝᠴᡝᠮᠪᡳ᠈ ᠶᠠᠪᡠᠮᡝ ᠪᠣᠰᠣ ᡤᡝᠯᡳ ᠵᠠᡴᠠ ᠨ ᠰᡳᠰᡳᠮᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᠪᡠᡥᠠ ::
ᠪᡝᠶᡝ ᠪᡝ ᡝᡵᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠠᠮᠪᠠ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠪᡳ ᠨ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᡩᠣᠰᡳᠮᠪᡳ ::
ᠣᠮᡳ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᡥᡝ ᠰᡝᠮᡝ ::
ᡝᡵᡝ ᠵᠠᡴᠠ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ᠈ ᠪᡝᠶᡝ᠈ ᡤᡝᠯᡳ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᠵᡠᠸᡝ ᠣᠮᡝ ᡤᡳᠰᡠᠨ ᠨ ᡳ ᠰᡝᠮᡝ ::
ᠪᡝᠶᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡳ ᠠᠮᠪᠠ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᡥᡝ ::
ᡝᠮᡠ ᡳᠰᡳᠨᠠᠮᡝ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᠪᡝᠶᡝ᠈ ᡩᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::
ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝ ::
ᠪᡝᠶᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ᠈ ᠰᡝᡥᡝ ᠪᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᡥᠠ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ::
ᡝᠮᡠ ᠪᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᡳ ᠪᡝ ᠣᠮᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᡥᡝ ᠨ ᠰᡝᠮᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::
ᠪᡝ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᡳ ᡩᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠪᡳ᠈ ᡳᠰᡳᠨᠠᠮᡝ ::
ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠠᠮᠪᠠ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠨ ᠰᡝᡥᡝ ᠪᡝ ᡩᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::
ᡳᠰᠠ ᠪᡝ ᡩᡝ ᠣᠮᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᡥᠠ :: ᠪᡝ᠈ ᡝᡵᡝ ᠣᠮᡳ ᠰᡝᠮᡝ ::
ᠰᡝᠮᡝᠪᡠᡥᡝ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᡥᡝ ᡳᠰᡳᠨᠠᠮᡝ :: ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠪᡝᠶᡝ ᠰᡝᠮᡝ ::
ᠰᡝᠮᡝ :: ᠰᡝᠮᡝᠨ᠈ ᠪᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᡥᡝ᠈ ᠪᡳ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᡝᡵᡝ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᠠᠮᠪᠠ᠈
ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᡥᡝ᠈ ᠪᡝ ᠨ ᠰᡝᠮᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᡥᡝ ᠪᡝᠶᡝ᠈ ᠰᡝᠮᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠈

۱۳ مسئلہ

ایک شخص نے اپنی بیوی کو ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی تو اب رجوع کا اختیار نہیں رہا۔ اور عورت اپنے شوہر سے بالکل جدا ہو گئی۔ اب اگر وہ عورت اپنی عدت گزار کر دوسرا نکاح کر لے اور دوسرا شوہر بھی اس کو طلاق دے دے یا مر جائے تو پہلا شوہر اس عورت سے نکاح کر سکتا ہے۔

۱۴ مسئلہ

اگر کسی شخص نے اپنی بیوی کو ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی تو اب رجوع کا اختیار نہیں رہا۔ اور عورت اپنے شوہر سے بالکل جدا ہو گئی۔ اب اگر وہ عورت اپنی عدت گزار کر دوسرا نکاح کر لے اور دوسرا شوہر بھی اس کو طلاق دے دے یا مر جائے تو پہلا شوہر اس عورت سے نکاح کر سکتا ہے۔

۱۵ مسئلہ

اگر کسی شخص نے اپنی بیوی کو ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی پھر رجوع کر لیا پھر ایک طلاق دی تو اب رجوع کا اختیار نہیں رہا۔ اور عورت اپنے شوہر سے بالکل جدا ہو گئی۔ اب اگر وہ عورت اپنی عدت گزار کر دوسرا نکاح کر لے اور دوسرا شوہر بھی اس کو طلاق دے دے یا مر جائے تو پہلا شوہر اس عورت سے نکاح کر سکتا ہے۔

ખાનગી મકાનો માં મકાનદાર ચોમાસાની શરૂઆત પહેલાં ઘરની છત તપાસી લે છે. જો જરૂર જણાય તો નવાં નળિયાં બેસાડે છે. ઘરની અંદર પાણી ટપકતું હોય તો તે જગ્યા શોધી કાઢે છે. ઘરની બહાર પાણી ભરાઈ રહેતું હોય તો તે પણ સાફ કરાવે છે. આ બધું કામ મકાનદાર પોતે કરે છે. તેમાં કોઈ બીજાની મદદ લેવાની જરૂર પડતી નથી.

૨ સરકારી મકાનો

સરકારી મકાનો માટે જુદા જુદા અધિકારીઓ નીમવામાં આવ્યા છે. તેમને મકાનદાર કહેવામાં આવે છે. મકાનદારનું કામ ઘણું મહત્ત્વનું છે. તેમણે પોતાની ફરજો બરાબર સમજી લેવી જોઈએ.

૩ મકાનદારની ફરજો

મકાનદારે પોતાના મકાનની સંભાળ રાખવી જોઈએ. મકાનમાં કોઈ જગ્યાએ પાણી ટપકતું હોય તો તે તરત જ સમારકામ કરાવવું જોઈએ. મકાનની આસપાસ ગંદકી ન થાય તેની કાળજી રાખવી જોઈએ. મકાનમાં રહેતા માણસોની તબિયત પર પણ મકાનદારે ધ્યાન આપવું જોઈએ.

૪ ભાડાની ઉઘરાણી

મકાનદારે દર મહિને ભાડાની ઉઘરાણી કરવી જોઈએ. ભાડું ક્યારે લેવું તે નક્કી હોય છે. મકાનદારે ભાડાની રકમ પોતાની પાસે રાખવી જોઈએ. તેમાંથી પોતાનો પગાર કાપી લેવો જોઈએ. બાકીની રકમ તેણે ઉપરી અધિકારીને મોકલી આપવી જોઈએ.

૫ મકાનની સાફસૂફી

મકાનની અંદર અને બહાર સાફસૂફી રાખવી એ મકાનદારની મુખ્ય ફરજ છે. ઘરની અંદરની સાફસૂફી ઘરની સ્ત્રીઓ કરે છે. પણ ઘરની બહારની સાફસૂફી મકાનદારે પોતે કરવી જોઈએ. ચોમાસામાં ખાસ સાફસૂફી રાખવી જોઈએ.

૬ મકાનની મરામત

મકાનમાં કોઈ જગ્યાએ તિરાડ પડી હોય તો તે પૂરી લેવી જોઈએ. ઘરની અંદર કે બહાર ક્યાંય પણ ઈંટ ખરી ગઈ હોય તો તે ફરીથી બેસાડી દેવી જોઈએ. મકાનમાં કોઈ જગ્યાએ પોપડા પડતા હોય તો તે પણ સમારી લેવા જોઈએ.

ਵਾਲਮੀਕਿ ਰਾਮਾਇਣ ਦਾ ਕਥਾਨਕ ਕਾਫ਼ੀ ਵਿਸਤਾਰ ਨਾਲ ਦਿੱਤਾ ਗਿਆ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਰਾਮ ਦੇ ਜਨਮ ਤੋਂ ਲੈ ਕੇ ਰਾਵਣ ਦੇ ਵਧ ਤਕ ਦੀ ਕਥਾ ਦਾ ਵਰਣਨ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਸੱਤ ਕਾਂਡ ਹਨ। ਇਹ ਕਾਂਡ ਹਨ ਬਾਲ ਕਾਂਡ, ਅਯੋਧਿਆ ਕਾਂਡ, ਅਰਣਯ ਕਾਂਡ, ਕਿਸ਼ਕਿੰਧਾ ਕਾਂਡ, ਸੁੰਦਰ ਕਾਂਡ, ਲੰਕਾ ਕਾਂਡ ਅਤੇ ਉੱਤਰ ਕਾਂਡ। ਇਸ ਵਿਚ ਕੁਲ ਸਲੋਕਾਂ ਦੀ ਗਿਣਤੀ ਲਗਭਗ ਚੌਵੀ ਹਜ਼ਾਰ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਰਚਨਾ ਅਨੁਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਵਿਚ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਭਾਸ਼ਾ ਸੰਸਕ੍ਰਿਤ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਸ਼ੈਲੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਅਲੰਕਾਰਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਉਪਮਾ ਅਲੰਕਾਰ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਜ਼ਿਆਦਾ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਰਸਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਸ਼ਿੰਗਾਰ ਰਸ, ਕਰੁਣ ਰਸ, ਵੀਰ ਰਸ, ਰੌਦ੍ਰ ਰਸ, ਅਦਭੁਤ ਰਸ, ਹਾਸ ਰਸ, ਭਿਆਨਕ ਰਸ, ਬੀਭਤਸ ਰਸ ਅਤੇ ਸ਼ਾਂਤ ਰਸ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਛੰਦਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਅਨੁਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਜ਼ਿਆਦਾ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਤ੍ਰਿਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਜਗਤੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਵਸੰਤ ਤਿਲਕਾ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਮਾਲਿਨੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਮਾਲਿਨੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਮਾਲਿਨੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ।

ਵਾਲਮੀਕਿ ਰਾਮਾਇਣ ਦਾ ਕਥਾਨਕ

ਵਾਲਮੀਕਿ ਰਾਮਾਇਣ ਦਾ ਕਥਾਨਕ ਕਾਫ਼ੀ ਵਿਸਤਾਰ ਨਾਲ ਦਿੱਤਾ ਗਿਆ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਰਾਮ ਦੇ ਜਨਮ ਤੋਂ ਲੈ ਕੇ ਰਾਵਣ ਦੇ ਵਧ ਤਕ ਦੀ ਕਥਾ ਦਾ ਵਰਣਨ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਸੱਤ ਕਾਂਡ ਹਨ। ਇਹ ਕਾਂਡ ਹਨ ਬਾਲ ਕਾਂਡ, ਅਯੋਧਿਆ ਕਾਂਡ, ਅਰਣਯ ਕਾਂਡ, ਕਿਸ਼ਕਿੰਧਾ ਕਾਂਡ, ਸੁੰਦਰ ਕਾਂਡ, ਲੰਕਾ ਕਾਂਡ ਅਤੇ ਉੱਤਰ ਕਾਂਡ। ਇਸ ਵਿਚ ਕੁਲ ਸਲੋਕਾਂ ਦੀ ਗਿਣਤੀ ਲਗਭਗ ਚੌਵੀ ਹਜ਼ਾਰ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਰਚਨਾ ਅਨੁਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਵਿਚ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਭਾਸ਼ਾ ਸੰਸਕ੍ਰਿਤ ਹੈ। ਇਸ ਦੀ ਸ਼ੈਲੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਅਲੰਕਾਰਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਉਪਮਾ ਅਲੰਕਾਰ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਜ਼ਿਆਦਾ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਰਸਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਸ਼ਿੰਗਾਰ ਰਸ, ਕਰੁਣ ਰਸ, ਵੀਰ ਰਸ, ਰੌਦ੍ਰ ਰਸ, ਅਦਭੁਤ ਰਸ, ਹਾਸ ਰਸ, ਭਿਆਨਕ ਰਸ, ਬੀਭਤਸ ਰਸ ਅਤੇ ਸ਼ਾਂਤ ਰਸ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਛੰਦਾਂ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਅਨੁਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਬਹੁਤ ਜ਼ਿਆਦਾ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਤ੍ਰਿਸ਼ਟੁਭ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਜਗਤੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਵਸੰਤ ਤਿਲਕਾ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਮਾਲਿਨੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ। ਇਸ ਵਿਚ ਮਾਲਿਨੀ ਛੰਦ ਦੀ ਵਰਤੋਂ ਵੀ ਬਹੁਤ ਸੁੰਦਰ ਢੰਗ ਨਾਲ ਕੀਤੀ ਗਈ ਹੈ।

مصطلحات

مصطلح: عبارة أو كلمة تستخدم للدلالة على مفهوم محدد في مجال معين.

مصطلح مكسر: مصطلح يتكون من أكثر من كلمة، وتكون كلمته الأولى مضافة.

مصطلح مركب: مصطلح يتكون من كلمتين أو أكثر، ولا تكون كلمته الأولى مضافة.

مصطلح مفرد: مصطلح يتكون من كلمة واحدة.

مصطلح مؤنث: مصطلح يتكون من كلمة مؤنثة.

مصطلح مذكر: مصطلح يتكون من كلمة مذكرة.

مصطلح مثنى: مصطلح يتكون من كلمة مثناة.

مصطلح مجموع: مصطلح يتكون من كلمة مجموعة.

مصطلح مجموع مكسر: مصطلح يتكون من كلمة مجموعة مكسرة.

مصطلح مجموع سالم: مصطلح يتكون من كلمة مجموعة سالمة.

مصطلح مجموع مؤنث: مصطلح يتكون من كلمة مجموعة مؤنثة.

مصطلح مجموع مذكر: مصطلح يتكون من كلمة مجموعة مذكرة.

مصطلح مثنى مؤنث: مصطلح يتكون من كلمة مثناة مؤنثة.

مصطلح مثنى مذكر: مصطلح يتكون من كلمة مثناة مذكرة.

ਸਾਹਿਤ ਸਭਾ ਅਜਨਾਲਾ ਵੱਲੋਂ ਸਰਗਰਮੀਆਂ ਦੀ ਸ਼ੁਰੂਆਤ ਸਬੰਧੀ ਸਮਾਗਮ ਕਰਵਾਇਆ ਗਿਆ। ਸਭਾ ਦੇ ਜਨਰਲ ਸਕੱਤਰ ਸ੍ਰੀ ਰਾਮ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਸਭਾ ਦੀ ਸਥਾਪਨਾ ਸੰਨ ੧੯੭੫ ਵਿਚ ਹੋਈ ਸੀ। ਸਭਾ ਦੇ ਮੈਂਬਰ ਸਮੇਂ ਸਮੇਂ ਤੇ ਆਪਣੀਆਂ ਰਚਨਾਵਾਂ ਸੁਣਾਉਂਦੇ ਰਹੇ ਹਨ। ਸਭਾ ਦੀ ਲਾਇਬ੍ਰੇਰੀ ਵਿਚ ਕਾਫ਼ੀ ਪੁਸਤਕਾਂ ਹਨ। ਸਭਾ ਦੇ ਮੈਂਬਰਾਂ ਦੀ ਗਿਣਤੀ ਇਸ ਵੇਲੇ ੪੫ ਹੈ। ਸਭਾ ਦੀ ਮੀਟਿੰਗ ਹਰ ਮਹੀਨੇ ਦੀ ਪਹਿਲੀ ਐਤਵਾਰ ਨੂੰ ਹੁੰਦੀ ਹੈ।

ਸਾਹਿਤ ਸਭਾ ਅਜਨਾਲਾ

ਸਾਹਿਤ ਸਭਾ ਅਜਨਾਲਾ ਵੱਲੋਂ ਸਰਗਰਮੀਆਂ ਦੀ ਸ਼ੁਰੂਆਤ ਸਬੰਧੀ ਸਮਾਗਮ ਕਰਵਾਇਆ ਗਿਆ। ਸਭਾ ਦੇ ਜਨਰਲ ਸਕੱਤਰ ਸ੍ਰੀ ਰਾਮ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਸਭਾ ਦੀ ਸਥਾਪਨਾ ਸੰਨ ੧੯੭੫ ਵਿਚ ਹੋਈ ਸੀ। ਸਭਾ ਦੇ ਮੈਂਬਰ ਸਮੇਂ ਸਮੇਂ ਤੇ ਆਪਣੀਆਂ ਰਚਨਾਵਾਂ ਸੁਣਾਉਂਦੇ ਰਹੇ ਹਨ। ਸਭਾ ਦੀ ਲਾਇਬ੍ਰੇਰੀ ਵਿਚ ਕਾਫ਼ੀ ਪੁਸਤਕਾਂ ਹਨ। ਸਭਾ ਦੇ ਮੈਂਬਰਾਂ ਦੀ ਗਿਣਤੀ ਇਸ ਵੇਲੇ ੪੫ ਹੈ। ਸਭਾ ਦੀ ਮੀਟਿੰਗ ਹਰ ਮਹੀਨੇ ਦੀ ਪਹਿਲੀ ਐਤਵਾਰ ਨੂੰ ਹੁੰਦੀ ਹੈ।

ਵਿਆਹ

ਸਥਾਨਕ ਸ਼ਹਿਰ ਦੇ ਵਸਨੀਕ ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਦੀ ਸਪੁੱਤਰੀ ਬੀਬੀ ਕੁਲਵੰਤ ਕੌਰ ਦਾ ਵਿਆਹ ਸ੍ਰੀ ਅਮਰਜੀਤ ਸਿੰਘ ਨਾਲ ਹੋਇਆ। ਵਿਆਹ ਦੀ ਰਸਮ ਪਿੰਡ ਰਾਮਪੁਰ ਵਿਖੇ ਹੋਈ। ਲਾੜੇ ਦੇ ਪਿਤਾ ਸ੍ਰੀ ਮੋਹਨ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਬਰਾਤ ਵਿਚ ਕਰੀਬ ੨੫੦ ਵਿਅਕਤੀ ਸ਼ਾਮਲ ਸਨ। ਵਿਆਹ ਦੀ ਰਸਮ ਪੰਡਿਤ ਸ੍ਰੀ ਰਾਮ ਦੱਤ ਨੇ ਨਿਭਾਈ। ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਉਨ੍ਹਾਂ ਨੇ ਵਿਆਹ ਵਿਚ ਕੋਈ ਦਾਜ ਨਹੀਂ ਦਿੱਤਾ। ਉਨ੍ਹਾਂ ਨੇ ਕਿਹਾ ਕਿ ਉਹ ਦਾਜ ਦੇ ਸਖ਼ਤ ਵਿਰੋਧੀ ਹਨ। ਇਸ ਮੌਕੇ ਤੇ ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਵੱਲੋਂ ਦਿੱਤੀ ਗਈ ਪਾਰਟੀ ਵਿਚ ਸ਼ਾਮਲ ਹੋਏ ਸਾਰੇ ਵਿਅਕਤੀਆਂ ਨੇ ਉਨ੍ਹਾਂ ਦੀ ਇਸ ਪਹਿਲ ਦੀ ਸ਼ਲਾਘਾ ਕੀਤੀ।

ਮੌਤ

ਪਿੰਡ ਰਾਮਪੁਰ ਦੇ ਵਸਨੀਕ ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਦੀ ਸਪੁੱਤਰੀ ਬੀਬੀ ਕੁਲਵੰਤ ਕੌਰ ਦਾ ਵਿਆਹ ਸ੍ਰੀ ਅਮਰਜੀਤ ਸਿੰਘ ਨਾਲ ਹੋਇਆ। ਵਿਆਹ ਦੀ ਰਸਮ ਪਿੰਡ ਰਾਮਪੁਰ ਵਿਖੇ ਹੋਈ। ਲਾੜੇ ਦੇ ਪਿਤਾ ਸ੍ਰੀ ਮੋਹਨ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਬਰਾਤ ਵਿਚ ਕਰੀਬ ੨੫੦ ਵਿਅਕਤੀ ਸ਼ਾਮਲ ਸਨ। ਵਿਆਹ ਦੀ ਰਸਮ ਪੰਡਿਤ ਸ੍ਰੀ ਰਾਮ ਦੱਤ ਨੇ ਨਿਭਾਈ। ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਨੇ ਦੱਸਿਆ ਕਿ ਉਨ੍ਹਾਂ ਨੇ ਵਿਆਹ ਵਿਚ ਕੋਈ ਦਾਜ ਨਹੀਂ ਦਿੱਤਾ। ਉਨ੍ਹਾਂ ਨੇ ਕਿਹਾ ਕਿ ਉਹ ਦਾਜ ਦੇ ਸਖ਼ਤ ਵਿਰੋਧੀ ਹਨ। ਇਸ ਮੌਕੇ ਤੇ ਸ੍ਰੀ ਹਰਨਾਮ ਸਿੰਘ ਵੱਲੋਂ ਦਿੱਤੀ ਗਈ ਪਾਰਟੀ ਵਿਚ ਸ਼ਾਮਲ ਹੋਏ ਸਾਰੇ ਵਿਅਕਤੀਆਂ ਨੇ ਉਨ੍ਹਾਂ ਦੀ ਇਸ ਪਹਿਲ ਦੀ ਸ਼ਲਾਘਾ ਕੀਤੀ।

ما در دست داشتیم حاضر. بعضی تصدیق‌نامه‌ی پدرشان را میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

پدرشان. پدرشان را میگیرد بدهند. همه چیز میگیرد بدهند.

ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ᠂ ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠡᠶ᠎ᠡ᠂ ᠶᠡᠬᠡᠳᠡ ᠲᠡᠳᠡᠭᠡᠷ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠰᠢᠭᠤᠳ᠃ ᠲᠡᠷ

ᠵᠢᠷᠤᠭ

ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠪᠢᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠡᠭᠡᠷᠡ ᠪᠠᠷ ᠮᠡᠳᠡᠭᠰᠡᠨ᠂ ᠬᠠᠮᠤᠭ ᠪᠢ ᠶᠠᠭᠤ ᠪᠡᠷ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠬᠡᠯᠡᠪᠡ᠃

ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠤ ᠪᠣᠯᠭᠠᠭᠰᠠᠨ ᠨᠡᠶᠢᠲᠡ ᠪᠡᠷ᠂ ᠪᠣᠯᠪᠠ ᠶᠠᠭᠤᠨ᠂ ᠶᠡᠬᠡ ᠪᠢ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠨᠢᠭᠤᠳᠠᠭᠰᠠᠨ ᠳᠠᠭᠤᠰᠬᠠᠪᠠ᠃ ᠪᠠᠶᠢᠨ᠎ᠠ ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠪᠣᠯᠬᠤ ᠪᠠᠶᠢᠳᠠᠯ

ᠰᠠᠶᠢᠰᠠᠨ᠂ ᠨᠡᠶᠢᠲᠡ ᠶᠡᠬᠡ ᠪᠣᠯᠪᠠ ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠪᠢ᠃ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠵᠢᠷᠤᠭ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠢᠷ᠃ ᠪᠠᠶᠢᠨ᠎ᠠ

ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠨᠡᠶᠢᠲᠡ᠂ ᠲᠡᠷᠡ ᠶᠢᠨ ᠲᠡᠷᠡ ᠬᠢᠭᠡᠳ ᠨᠡᠶᠢᠲᠡᠭᠰᠡᠨ᠃ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠶᠢᠨ᠂ ᠲᠡᠷᠡ ᠲᠡᠷᠡ ᠪᠡᠷ ᠬᠠᠮᠤᠭ ᠪᠠᠷ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠡᠷᠲᠡᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠲᠡᠳᠡᠨ᠃

ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ᠃ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠲᠡᠷᠡ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠠᠶᠤᠯ ᠨᠢᠭᠤᠴᠠ᠂ ᠪᠠᠷ ᠲᠡᠷᠡ ᠪᠢ ᠬᠡᠨ ᠲᠡᠷᠡ ᠪᠡᠷ ᠬᠡᠳᠦ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠤ ᠲᠡᠳᠡᠭᠡᠷ ᠲᠡᠭᠦᠨ᠃

ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠶᠢᠨ ᠪᠢᠴᠢᠭᠰᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ᠂ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ᠂ ᠬᠡᠮᠡᠭᠰᠡᠨ ᠬᠠᠮᠤᠭ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ᠂ ᠪᠠᠶᠢᠳᠠᠭᠰᠠᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠡᠷ᠃

ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ᠂ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠨᠢᠭᠤᠴᠠ᠂ ᠶᠠᠭᠤᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ᠂ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠪᠢᠷ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ᠃

ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠷᠡ ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠲᠡᠷᠡ᠃ ᠲᠡᠭᠦᠨ

ᠪᠡᠶ᠎ᠡ

ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠠᠶᠢᠳᠠᠯ ᠲᠡᠷᠡ ᠪᠠᠷ ᠨᠡᠶᠢᠲᠡ᠃ ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ᠂

ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ᠃ ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠠᠶᠢᠳᠠᠯ᠂ ᠪᠢᠴᠢᠭ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ

ᠰᠠᠶᠢᠨ ᠰᠠᠶᠢᠨ᠃ ᠪᠢᠳᠡᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠠᠶᠢᠳᠠᠭᠰᠠᠨ ᠲᠡᠷᠡ᠃ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠲᠡᠷᠡ

ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠢ ᠪᠢ᠂ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠪᠣᠯᠬᠤ ᠪᠢᠳᠡᠨ᠃ ᠲᠡᠷᠡ ᠤ ᠲᠡᠭᠦᠨ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ᠂ ᠲᠡᠳᠡᠨ ᠲᠡᠭᠦᠨ

ᠠᠪᡴᠠ ᡳᠨᡝᠩᡤᡳ ᠪᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::
ᡝᠮᡠ ᡳᠨᡝᠩᡤᡳ ᠨᡳ ᡤᡝᠪᡠ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::

ᠪᠣᠣ ᠪᡝ ᠪᡳ ᡤᡝᠪᡠ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::

ᡳᠨᡝᠩᡤᡳ ᠨᡳ ᠪᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::

ᠪᡳ ᠰᡝᡥᡝ ᠪᡝ ᠰᡝᠮᠪᡳ ::

ᠪᠣᡥᠣᠰᠣᠪᡠ ᠪᡝ᠈ **ᡳᠯᡳᠪᡠᠮᠪᡳ᠈** ᠮᡠᡥᡝᠨ᠈ ᠠᠨᠠ ᡨᡠᠨᡳᠶᡝ ᠪᡝ ᠪᡠᡴᡳ **ᡨᡠᠸᠠᡴᡳᠶᠠᠮᠪᡳ᠈**
ᡨᡠᠸᠠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠴᡳᡥᠠᠩᡤᠠ ᠪᡝ᠈ ᡳᠯᡳᠪᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᡤᡝᡥᡠᠨ ᡳ ᠠᠯᡳᠨ ᠮᡝᡳᡥᡝᡵᡝᡥᡝ ᡨᡠᠸᠠᠨ ᠠᡵᠠᠨ ᠪᡝ ᡨᡠᠸᠠᠮᠪᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ **ᠪᠣᡥᠣᠰᠣᠪᡠᠮᠪᡳ᠈**
ᡥᠠᠨ ᡳᠴᡳᡤᡳ᠈ ᠠᠨᠠ ᠮᡝᠩᡤᡝᠨ ᠰᡠᠪᡝ ᡨᡳᡥᡝ ᠪᡝ ᠮᡠᡩᡝ ᡨᡠᠸᠠᠮᠪᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉
ᡤᡝᡥᡠᠨ᠈ ᡝᡵᡝ ᡳ ᡝᠨᡳᠶᡝ ᠠᠨᠠ ᠮᡠᡩᡝ ᠪᡠᡵᡳ **ᠠᠯᡳᠮᠪᡳ᠈** ᡝᡵᡝ ᡳ ᡨᡠᡴᡨᡠᠪᡠᡥᡝᠩᡤᡝ ᠪᡝ᠈
ᡨᡠᠸᠠᡵᡳ ᡨᡠᠸᠠᠮᠪᡠᡥᡝ ᠪᠣᡥᠣᠰᠣᠪᡠᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉ ᠠᠯᡳᠮᠪᡳ ᠰᡝᠮᠪᡳ᠉

[library seal]